



The Impact of Identity on Turkey's Regional Policy in West Asia (2011-2023)

Mohammad Sadegh Koushki¹ | Rasoul Rezaei Faramani²

1. Corresponding Author: Assistant Professor of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
m.s.koushki@ut.ac.ir
2. Ph.D. Candidate in Middle East and North Africa Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Turkey's identity in foreign policy has been shaped by the complex interplay of historical, cultural, and religious factors. This evolving identity has led to significant changes in Turkey's international relations, particularly under the leadership of the Justice and Development Party (AKP). The AKP's foreign policy has shifted from traditional realist-Kemalist approaches toward emphasizing the importance of identity, constructivist concepts, and Turkey's historical-identity depth. This article examines the impact of identity concepts on Turkey's policies in the West Asia region, particularly in the context of post-Arab Spring events from 2011 to 2023. The article focuses on identity concepts such as neo-Ottomanism, affinity with the Muslim Brotherhood, pan-Turkism, and the recent vision of the Turkish Century. The main research question is: How have identity concepts influenced Turkey's West Asian strategy between 2011 and 2023? The research hypothesis posits that identity concepts have driven Turkey to pursue its regional goals by focusing on constructivist concepts in foreign policy, forming partnerships based on shared religious and ethnic backgrounds, and presenting itself as a modern successor to the Ottoman Empire. Using a descriptive-explanatory method and library-based data collection tools, the study concludes that Turkey's West Asian policy from 2011 to 2024 has been influenced by identity-based concepts, which have effectively shaped Turkey's regional policies in West Asia.

Keywords: Turkey, Justice and Development Party, Arab uprisings, structuralism, identity.

Volume info

Vol. 18
Series: 68
Autumn 2025
P.P.: 193-220

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-01-12
Revised:
2025-09-27
Accepted:
2025-10-10
Published:
2025-11-29

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Cite this article: Koushki, M. S., & Rezaei Faramani, R. (2025). The Impact of Identity on Turkey's Regional Policy in West Asia (2011-2023). *Security Horizons*, 18(68), 193-220. DOI: 20.1001.1.25381857.1404.18.68.7.1



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



تأثیر هویت بر سیاست منطقه‌ای ترکیه در غرب آسیا (۲۰۱۱-۲۰۲۳)

محمدصادق کوشکی^۱ | رسول رضایی فرامانی^۲

m.s.koushki@ut.ac.ir

۱. استادیار مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

هویت در سیاست خارجی ترکیه تحت تأثیر متقابل پیچیده عوامل تاریخی، فرهنگی و باورهای دینی شکل گرفته است. این هویت در حال تحول منجر به تغییرات قابل توجهی در روابط بین‌المللی ترکیه، به‌ویژه تحت زعامت حزب عدالت و توسعه (AKP) شده است. سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در ترکیه با تغییر از رویکردهای سنتی رئالیستی-کمالیستی، به‌سوی تأکید بر اهمیت هویت و مفاهیم سازه‌انگاران و عمق تاریخی-هویتی ترکیه متمایل شده است. مقاله حاضر به بررسی تأثیر انگاره‌های هویتی بر سیاست‌های این کشور در منطقه غرب آسیا به‌ویژه رویدادهای پس‌خیزش عربی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ می‌پردازد. تمرکز مقاله بر مفاهیم هویتی مانند نوع‌ثمنانی‌گرایی، گرایش به اخوان‌المسلمین، پان‌ترکیسم و چشم‌انداز اخیر قرن ترکیه قرار دارد. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه مفاهیم هویتی بر استراتژی غرب آسیایی ترکیه بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ تأثیر گذاشته‌اند؟ فرضیه پژوهش بر این مبناست که مفاهیم هویتی، ترکیه را به سمت پیگیری اهداف خود در منطقه از طریق تمرکز بر مفاهیم سازه‌انگاران درسیاست خارجی، ایجاد شراکت‌هایی مبتنی بر پیشینه‌های مشترک دینی و قومی و معرفی خود به‌عنوان جانشین مدرن امپراتوری عثمانی سوق داده‌اند. با استفاده از روش توصیفی-تبینی، و با بکارگیری ابزار گردآوری کتابخانه‌ای، نتیجه پژوهش حاکی از آن است که سیاست غرب آسیایی ترکیه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴ تحت تأثیر مفاهیم مبتنی بر هویت بوده و این انگاره‌های هویتی به‌طور موثری شکل دهنده به سیاست منطقه‌ای ترکیه در غرب آسیا بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ترکیه، حزب عدالت و توسعه، خیزش‌های عربی، سازه‌انگاری، هویت

سال و شماره

سال ۱۸، پیاپی: ۶۸

پاییز ۱۴۰۴

صص: ۲۲۰-۱۹۳

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵



استناد: رضایی فرامانی، رسول، و کوشکی، محمدصادق. (۱۴۰۴). تأثیر هویت بر سیاست منطقه‌ای ترکیه در غرب

آسیا (۲۰۱۱-۲۰۲۳). فصلنامه آفاق امنیت، ۱۸(۶۸)، ۱۹۳-۲۲۰. DOI: 20.1001.1.25381857.1404.18.68.7.1



نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه جام امام

حسین(ع).



OPEN ACCESS

مقدمه

در بیست سال گذشته، سیاست خارجی ترکیه تحت رهبری رجب طیب اردوغان و حزب عدالت و توسعه تغییرات چشمگیری را به خود دیده است. در دهه اول قرن ۲۱، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه بر «وابستگی متقابل» تمرکز داشت و در تلاش بود تا پیوندهای اقتصادی و فرهنگی خود را با همسایگانش تقویت کند. ترکیه در این دوره همکاری‌های منطقه‌ای فعالی را دنبال می‌کرد، توافق‌نامه‌های تجارت آزاد برقرار نموده و سفر بدون ویزا را با چندین کشور غرب آسیا امکان‌پذیر ساخته بود. علاوه بر این، این کشور نقش میانجی بی‌طرف در روابط اسرائیل و سوریه را بر عهده گرفت، سهم قابل توجهی در حل درگیری‌های جاری در بالکان ایفا نمود و بر ابتکارات انسانی تأکید داشت و با استفاده از قدرت نرم خود، در تلاش برای افزایش نفوذ در منطقه پیرامونی خود بود (Kutlay & Öniş, 2021, p.1085).

رویکرد اولیه ترکیه به منطقه غرب آسیا در دهه اول ۲۰۰۰ میلادی، طیفی گسترده از تعامل و همکاری را شامل می‌شد. این کشور بر روابط اقتصادی، نفوذ دیپلماتیک و مشارکت‌های منطقه‌ای به‌جای تقابل تأکید داشت (Altunışık, 2020, p. 3). دولت حزب عدالت و توسعه با بهره‌گیری از پیوندهای تاریخی و فرهنگی با سرزمین‌های سابق عثمانی، روابط نزدیکی را با رژیم‌های اقتدارگرا در غرب آسیا برقرار کرده بود. این استراتژی در حقیقت برای تقویت صادرات ترکیه و گسترش نفوذ اقتصادی آن طراحی شده بود (van Veen & Yüksel, 2018, p.16). با توجه به اقدامات صورت گرفته در اوایل دهه قرن جدید، یکی از نقاط عطف مهم برای ترکیه در مسیر تبدیل شدن به یک قدرت جهانی، گسترش سیاست خارجی آن به سطح بین‌المللی بود. دولت‌های حزب عدالت و توسعه به‌طور مؤثر رویکرد دیپلماتیک ترکیه را گسترش دادند و از طریق روش‌های دولتی و غیردولتی با شرکای متنوعی در تمامی قاره‌ها و مناطق وارد تعامل شدند (Ataman, 2023, p. 87). در حقیقت نفوذ محوری ترکیه در غرب آسیا عمدتاً از موقعیت استراتژیک جغرافیایی، توانایی‌های نظامی و اقتصادی قابل توجه و اهمیت تاریخی آن به‌عنوان مرکز پیشین امپراتوری عثمانی نشأت می‌گرفت (Yanarocak, 2021).

تا پیش از آغاز خیزش‌های عربی، کشورهایمانند سوریه به‌عنوان نمونه‌ای از سیاست ترکیه در ایجاد روابط خوب با همسایگان تلقی می‌شدند. دو کشور در موضوعاتی مانند ناسیونالیسم

کردی، وضعیت عراق و مدیریت آب همکاری‌های متعددی با یکدیگر داشتند (Zaarour, 2018, p.27). با این حال، همه این سیاست‌ها و اقدامات ترکیه در منطقه غرب آسیا با آغاز دهه دوم قرن نوزدهم دچار تحول اساسی شد. با آغاز خیزش‌های عربی بحث‌های شدیدی در میان افکار عمومی ترکیه شکل گرفته و باعث ایجاد شکاف عمیق در دیدگاه‌ها نسبت به اصول بنیادین سیاست خارجی ترکیه شد (Gürpınar, 2020, p.10). ترکیه که پیش‌تر به عنوان یک میانجی بی‌طرف در غرب آسیا شناخته می‌شد، به سیاست خارجی جسورانه‌تر و مداخله‌گرانه‌تری روی آورد. این تغییر منجر به تیره شدن روابط با بازیگران کلیدی منطقه‌ای از جمله اسرائیل و مصر شد (Kutlay & Öniş, 2021, p.1085).

پس از سال ۲۰۱۱، سیاست‌گزاران ترکیه تهدیدهای بیشتری را از جانب تحولات غرب آسیا احساس کرده و سیاست خارجی جسورانه‌تری از جمله استفاده از نیروی نظامی را در پیش گرفتند (Altunışık, 2020, p. 3). خیزش‌های عربی در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ چهره کلی غرب آسیا را به شدت تغییر داد. ترکیه با منطقه‌ای مواجه شده بود که پر از جنگ‌های داخلی، خشونت فزاینده و مداخله نظامی خارجی بود (Altunışık, 2020, p.3). رویکرد ترکیه به شدت بر استراتژی‌های قدرت نرم، کاهش تنش‌ها و رفع اختلافات با کشورهای همسایه متکی بود؛ اما پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶، تغییری آشکار به سمت سیاست خارجی تهاجمی‌تر و مداخله‌گرانه‌تر، همراه با تأکید بر قدرت نظامی و جاه‌طلبی‌های سرزمینی رخ داد. در این زمینه، چارچوب‌های هویتی نقش مهمی در شکل‌دهی سیاست منطقه‌ای ترکیه در غرب آسیا ایفا کرده‌اند (Yanarocak, 2021).

در قلب سیاست خارجی ترکیه، انگاره‌های هویتی قرار دارند که میراث عثمانی، ارتباطات با جوامع مسلمان و آرزوهای رهبری منطقه‌ای را در هم می‌آمیزند. ایده‌هایی همچون نوع‌عثمانی‌گرایی، پان‌ترکیسم، گرایش به اندیشه‌های اخوانی و چشم‌انداز قرن جدید ترکیه هر کدام نقشی در استراتژی‌ها و تعاملات ترکیه با کشورهای غرب آسیا ایفا کرده‌اند. مقاله پیش رو با استفاده از روش توصیفی-تبیینی و بهره‌مندی از روش گردآوری داده کتابخانه‌ای به بررسی تحولات سیاست غرب آسیایی ترکیه در این منطقه پرداخته و مفاهیم سازه‌انگاران‌ای را که در چارچوب سیاست خارجی این کشور ظهور کرده‌اند، تحلیل می‌کند. سؤال اصلی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن است این موضوع است که چگونه مفاهیم هویتی بر استراتژی غرب

آسیایی ترکیه بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ تأثیر گذاشته‌اند؟ فرض اصلی مقاله بر این گزاره قرار گرفته است که با ظهور حزب عدالت و توسعه، مفاهیم هویتی ترکیه را به سمت پیگیری اهداف خود در منطقه از طریق تمرکز بر مفاهیم سازه‌انگاران در سیاست خارجی، ایجاد شراکت‌هایی مبتنی بر پیشینه‌های مشترک دینی و قومی و معرفی خود به‌عنوان جانشین مدرن امپراتوری عثمانی سوق داده‌اند.

چارچوب نظری

سازه‌انگاری و مفهوم هویت در سیاست خارجی نوین ترکیه

در دهه ۱۹۹۰، سازه‌انگاری به‌عنوان یک دیدگاه نوین در نظریه روابط بین‌الملل مطرح شد و سلطه سنتی نئورئالیسم را به چالش کشید. برخلاف نظریه‌های عقل‌گرایانه که عمدتاً بر عوامل مادی تمرکز دارند، سازه‌انگاری بر اهمیت عناصر غیرمادی همچون هویت، فرهنگ و حافظه تاریخی در شکل‌دهی باورها و اهداف دولت‌ها تأکید می‌کند (Yetim, 2013, p. 85). تغییرات کلان در سطح روابط بین‌الملل تأثیر بسیار شگرفی در تغییر پارادایم‌های حاکم بر روابط میان کشورها در سطح کلان-سیستمی ایجاد کرد. پایان جنگ سرد مرحله‌ای اولیه را نشان می‌دهد که در آن، با از بین رفتن نیازهای امنیت ملی دوران جنگ سرد، سیاست خارجی شروع به بازتاب گرایش‌های جدید ایدئولوژیک و سیاسی کرد و به ظهور رویکردهای جایگزین در روابط بین‌الملل انجامید (Gürpınar, 2020, p.6). از دید سازه‌انگاران، دولت‌ها اهداف ثابتی مانند بقا یا سلطه ندارند، بلکه مقاصد آن‌ها بر اساس باورها، ارزش‌ها و نحوه درکشان از رابطه خود با سایر ملت‌ها شکل می‌گیرد. با تغییر این دیدگاه‌ها، اهدافی که دنبال می‌کنند نیز دستخوش تحول می‌شود (Kubicek, 2022, p.651). سازه‌انگاری دیدگاهی ارزشمند ارائه می‌دهد که می‌تواند درک ما از سیاست خارجی را عمیق‌تر کند. این رویکرد به جای تمرکز صرف بر «چه چیزی»، به بررسی «چرا» و «چگونه» در روابط بین‌الملل می‌پردازد. با پر کردن شکاف میان نظریه و عمل، سازه‌انگاری اجتماعی به ما امکان می‌دهد تا عوامل بنیادینی را که تصمیمات سیاست خارجی را شکل می‌دهند، بررسی کنیم. این عوامل شامل تأثیرات تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی و همچنین هویت‌ها و باورهای تصمیم‌گیرندگان است (Ulusoy, 2023, pp.2-3).

سازه‌انگاری که رویکردی جدیدتر در روابط بین‌الملل به شمار می‌آید، انحرافی عمده از نظریه‌های ساختاری سنتی مانند نئورئالیسم ارائه می‌دهد. این رویکرد معتقد است که سیاست بین‌الملل تنها تحت تأثیر عوامل مادی نیست، بلکه باورهای مشترک، هویت‌ها و تعاملات اجتماعی میان کشورها نیز در شکل‌گیری آن نقش دارند (Kubicek, 2022, p.651). از نظر سازه‌انگاران، هویت‌ها پدیده‌هایی اجتماعی هستند و تعریف ثابت و ذاتی ندارند؛ بلکه از طریق تعاملات اجتماعی و درک متقابل افراد از یکدیگر شکل می‌گیرند. هر فرد هویتی را می‌سازد که در ارتباط با دیگران و بر اساس منافع و اهدافش است و این هویت‌ها بر تصمیم‌گیری‌های جمعی تأثیرگذارند (Ahmadian et al., 2016, p.145).

سازه‌انگاری سنتی بر نظریه‌های اصلی روابط بین‌الملل بنا شده است، اما عناصری اجتماعی مانند هویت، فرهنگ، ارزش‌ها و منافع شخصی را برای توضیح چگونگی تأثیر این عوامل بر تصمیمات سیاست خارجی یک کشور در نظر می‌گیرد. این رویکرد درک جامع‌تری از نیروهایی که روابط بین‌الملل را شکل می‌دهند، ارائه می‌دهد (Ulusoy, 2023, p.5).

بر اساس نظریه سازه‌انگاری، این‌طور می‌توان بیان کرد که تحولی در روابط ترکیه با غرب آسیا و سایر مناطق به وقوع پیوسته است، زیرا نخبگان سیاسی ترکیه هویت و اهداف خود را بازنگری کرده‌اند. با دیدگاه به دکترین عمق استراتژیک احمد داووداوغلو به عنوان عنصر بنیادی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، منطقی به نظر می‌رسد که درگیری‌های اخیر ترکیه در غرب آسیا تنها واکنشی به هرج و مرج پس از جنگ سرد نباشد، بلکه به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر سیاست‌های هویتی آن کشور قرار دارد (Warning & Kardas, 2011, p.128).

پیشینه پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر هویت بر تصمیم‌گیری‌های سیاست غرب آسیایی ترکیه طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۲۳ انجام شده است. در حالی که مطالعات پیشین عمدتاً بر ابعاد مادی و واقع‌گرایانه سیاست ترکیه در این منطقه متمرکز بوده‌اند، این پژوهش با رویکردی نوآورانه، به نقش اساسی هویت در شکل‌دهی به این سیاست‌ها می‌پردازد. این پژوهش با تمرکز بر انگاره‌های هویتی، تلاش می‌کند تا لایه‌های پنهان سیاست غرب آسیایی ترکیه را آشکار سازد و نشان دهد که چگونه

هویت، به‌عنوان یک عامل کلیدی، بر تصمیم‌گیری‌های این کشور در این منطقه حساس تأثیرگذار بوده است.

شبلم قوموشچی، فؤاد کیمین (۱۳۹۸) در کتابی با عنوان «دموکراسی، هویت و سیاست خارجی در ترکیه (هژمونی به‌واسطه تحول)» در ۹ فصل ضمن اشاره به تاریخ شکل‌گیری ترکیه نوین و تحولات داخلی و بین‌المللی، تمرکز خود را بر روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه می‌گذارند. نویسندگان در چند فصل ضمن برشمردن ویژگی‌های هژمونیک حزب عدالت و توسعه در جامعه و سیاست خارجی ترکیه بیشتر تمرکز خود را بر روی تحولات روی‌داده در همسایگی ترکیه به‌ویژه خیزش‌های عربی و تحولات متعاقب آن اختصاص می‌دهند و روی مفاهیمی مانند سکولاریسم، دموکراسی و هویت در سیاست‌های حزب عدالت و توسعه چه در حوزه داخلی و چه در حوزه خارجی و منطقه‌ای تأکید می‌کنند.

جابر قاسمی و امیرعلی مددی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی چرخش جدید سیاست خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه» به بررسی چرخش جدید سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه غرب آسیا می‌پردازند. نویسندگان استدلال می‌کنند که این چرخش به دلیل عوامل متعددی، از جمله تحولات داخلی و منطقه‌ای، رخ داده است. مقاله از چارچوب نظری جمیز روزنا برای فهم چرخش جدید سیاست خارجی ترکیه در قبال غرب آسیا استفاده کرده است و متغیرهای عمده‌ای مانند عوامل بین‌المللی، فردی، جامعه، حکومتی و نقشی را در این چرخش دخیل می‌داند، با این حال به نظر می‌رسد که چرخش جدید سیاست خارجی ترکیه به دلیل عوامل دیگری، مانند رقابت با ایران و عربستان سعودی، رخ داده است.

رضا دهقانی (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «سیاست خارجی ترکیه در فرایند نو عثمانی‌گری و خلافت عثمانی» به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه نظریه سازه‌انگاری می‌تواند برای تحلیل سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه به کار گرفته شود. نویسندگان با تأکید بر رویکرد نو عثمانی‌گری به‌عنوان چارچوب اصلی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، استدلال می‌کنند که این حزب، هویت ملی ترکیه را با میراث امپراتوری عثمانی پیوند زده است. دانش‌نیا، احمدیان و هاشمی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «هویت تاریخی، نو عثمانی‌گرایی و سیاست خارجی ترکیه»، به تأثیرپذیری سیاست خارجی ترکیه از صورت‌بندی‌های هویتی مبتنی بر

تاريخ و فرهنگ اين کشور پرداخته‌اند. در اين مقاله نويسندگان به بررسي اين موضوع مي‌پردازند که چگونه هويت تاريخي و فرهنگي ترکيه بر سياست خارجي اين کشور در دوران حزب عدالت و توسعه تأثير گذاشته است. نويسندگان معتقدند که رويکرد جديد سياست خارجي ترکيه که به عنوان «نوعثماني گري» يا «عثماني گرایی جديد» شناخته مي‌شود، مبتني بر هويت‌سازي جديدي است که ريشه در تاريخ و فرهنگ اين کشور دارد.

علي نيكوکار و مهناز گودرزي (۱۳۹۷) در مقاله‌اي با عنوان «تغيير مباني هويتي سياست خارجي ترکيه در خاورميانه و تأثيرات منطقه‌اي آن» به بررسي روي کار آمدن حزب عدالت و توسعه و تغيير در مباني هويتي ترکيه مي‌پردازند. مقاله، به تغييراتي که با ظهور حزب عدالت و توسعه و تغيير سياست خارجي ترکيه در غرب آسيا رخ داده است، مي‌پردازد و اينکه تغييرات عمدتاً از همکاري به سمت تعارض در رويکرد ترکيه در غرب آسيا تغيير کرده است. نويسندگان ادعا مي‌کنند که باروي کار آمدن حزب عدالت و توسعه تغييرات در سياست داخلي و بيروني ترکيه، پديد آمده که نشان‌دهنده اهميت هويت و ايدئولوژي، در سياست خارجي اين کشور است. جواد صالحی و اکرم بهمني (۱۳۹۵) در مقاله با عنوان «عثماني گرایی جديد در سياست خارجي ترکيه» به اين موضوع پرداخته‌اند که ترکيه در دهه‌هاي اخير، به‌ويژه پس از به قدرت رسيدن حزب عدالت و توسعه، تغييرات قابل توجهي در سياست خارجي خود را آشکار کرده است. اين تغييرات به شکل جدي در ارتباطات ترکيه با کشورهای اسلامي و منطقه غرب آسيا مشهود است. نويسندگان در ادامه اشاره مي‌کنند که سياست ترکيه که به آن نوعثماني گرایی مي‌گويند، از گذشته‌اي که تمايل بيشتري به همگرایی با غرب داشته، دوره‌اي راهبردي تر و متعادل تر را در قبال غرب آسيا انتخاب کرده است که با منافع ملي خود همخواني دارد.

الکساندروس زاخاريادس (۲۰۱۸) در مقاله‌اي با عنوان «هويت و سياست خارجي ترکيه در دوره حزب عدالت و توسعه» به تأثير هويت ملي ترکيه بر سياست خارجي اين کشور در دوران حکمراني حزب عدالت و توسعه مي‌پردازد. نويسنده با اشاره به رويکرد حزب حاکم به گذشته عثماني ترکيه (نوعثماني گري) استدلال مي‌کند که احياي اسلام و گذشته عثماني اين کشور تا چه حد بر سياست خارجي ترکيه از سال ۲۰۰۲ تأثير گذاشته است. پژوهش حاضر با تأکيد بر نقش مستمر هويت، بهره‌گيري از سازه‌نگاري و تحليل نقش اثرگذار هويت در سياست منطقه‌اي غرب

آسیایی ترکیه تفاوت‌های مهمی با مطالعات قبلی دارد و نوآوری خاصی هرچند اندک در حوزه بررسی سیاست خارجی و منطقه‌ای ترکیه ارائه می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیشه‌رو با استفاده از روش توصیفی-تبینی، و با بکارگیری ابزار گردآوری داده کتابخانه‌ای تلاش نموده تا به زوایای پنهان موضوع مورد بحث بپردازد.

یافته‌های پژوهش

سیاست خارجی ترکیه تحولی را به خود دید که قبل از ظهور حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ آغاز شده بود. با این حال، این حزب به‌عنوان عامل وحدت بخش این سیاست و تقویت اعتماد به نفس بین‌المللی ترکیه شناخته می‌شود. رویکرد «به صفر رساندن مشکل با همسایگان» آن‌ها دوره جدیدی را در سیاست غرب آسیایی ترکیه رقم زد و تنش‌ها را با کشورهایی که پیش‌تر رویکردهای خصمانه‌ای داشتند کاهش داد (Barkley, 2011, p.1). این حزب، با تغییر جهت از سیاست خارجی سنتی کمالیستی، نگاه خود را به منطقه غرب آسیا معطوف ساخت (Ghasemi & Madadi, 2021, p.226). حامیان فکری حزب عدالت و توسعه سیاست خارجی کاملاً کمالیستی را به دلیل تابع بودن بیش‌ازحد آن به منافع غرب و کمبود استقلال ملی موردانتقاد قرار دادند. آن‌ها بر این باور بودند که این رویکرد به هویت ملی ترکیه آسیب می‌زند و مانع از رشد آن در سطح منطقه‌ای می‌شود (Gürpınar, 2020, p.8). در حقیقت با تغییر تدریجی موازنه قدرت در داخل ترکیه و پایان یافتن جنگ سرد از اواسط دهه ۸۰ میلادی، نقش ارزشمند دین در ارتقاء جایگاه و گسترش نفوذ ترکیه در منطقه غرب آسیا پررنگ‌تر می‌شود (Dehshiar, 2012, p.146). حزب عدالت و توسعه، نخبگان فکری و سیاستمداران مخالف کمالیست‌ها، جمعیت سکولار ترکیه را به دلیل شرمندگی از ریشه‌های غرب آسیایی خود و احساس برتری فرهنگ‌های غربی مقصر می‌دانستند. این دیدگاه نشان می‌دهد که سیاست خارجی ترکیه بیشتر تحت تأثیر عوامل فرهنگی بوده تا صرفاً منافع استراتژیک (Gürpınar, 2020, p.8).

کمالیست‌ها با کم‌رنگ کردن هویت تاریخی عثمانی و تأکید بر روابط نزدیک با غرب، تعریف جدیدی از ملی‌گرایی ارائه دادند. در این دیدگاه، منافع ملی ترکیه به گونه‌ای تعریف شد که هرگونه تأثیرگذاری اسلام بر سیاست‌های کشور به حداقل رسیده و نقش غرب در شکل‌دهی به استراتژی‌های کلان ترکیه بیش‌ازپیش برجسته شود (Dehshiar, 2012, p.147). کمالیست‌ها دوره عثمانی پیش از مصطفی کمال آتاتورک را زمانی می‌دانستند که ترکیه تحت سلطه قدرت‌های غربی قرار داشت و این سلطه توسط رهبران فاسد عثمانی تسهیل می‌شد. پروزی کمال آتاتورک و معاهده لوزان به‌عنوان نجات ترکیه از تسلیم کامل تلقی می‌شد؛ بنابراین، ایدئولوژی کمالیستی که بر سکولاریسم، روشنگری و ملی‌گرایی تأکید داشت، تنها مسیر مشروع برای تأمین و دفاع از منافع عالی کشور به شمار می‌رفت (Gürpınar, 2020, p.9).

با توجه به صف بندی‌های کمالیستی -عدالت و توسعه‌ای، سازه‌نگاری به‌طور مؤثر برای درک سیاست خارجی ترکیه به کار گرفته شده است. به‌عنوان مثال، هم‌راستایی تاریخی ترکیه با غرب و فاصله آن از غرب آسیا را می‌توان به هویت کمالیستی آن نسبت داد. این هویت که مدرنیزاسیون را با غرب‌گرایی پیوند می‌دهد، انتخاب‌های سیاست خارجی ترکیه را شکل داده است و بر اهمیت روابط قوی با کشورهای غربی تأکید دارد تا ترکیه به‌عنوان بخشی از «دنیای متمدن» شناخته شود (Kubicek, 2022, p.651).

از زمانی که حزب عدالت و توسعه قدرت را در سپهر سیاسی ترکیه قبضه کرد، چشم‌انداز آن برای ایجاد «ترکیه نوین» هویت‌های سنتی در سیاست داخلی و خارجی ترکیه را به چالش کشیده است. بسیاری از مطالعات در این زمینه تمایلات اسلامی حزب عدالت و توسعه و دوری آن از غرب را با هم‌راستایی بیشتر با غرب آسیا و جهان اسلامی بزرگ‌تر مورد تأکید قرار داده‌اند. این تغییرات به‌طور نزدیکی با تحولات سیاست خارجی که توسط احمد داووداوغلو آغاز شد، ارتباط دارد (Kubicek, 2022, p.652).

علاوه بر موقعیت جغرافیایی، ارزش‌های اسلامی نیز به ترکیه این امکان را می‌دهند تا در مسائل داخلی کشورهای منطقه نقش فعال‌تری ایفا کند. ترکیه می‌تواند از مشترکات دینی با کشورهای غرب آسیا برای تقویت جایگاه خود در این منطقه استفاده کند. با این حال، سیاست‌های غرب‌گرایانه ترکیه در گذشته موجب شده بود که این کشور از هویت مشترک خود با کشورهای

غرب آسیا فاصله بگیرد و در نتیجه، نفوذ خود را در منطقه کاهش دهد (Dehshiar, 2012, p.148). علاوه بر هویت‌های پیشین مورد بحث، همچنان که کویسک بیان کرده است در حالی که «اسلامی» و «نئو-عثمانی» رایج‌ترین هویت‌هایی هستند که در دوره حزب عدالت و توسعه به آن‌ها اشاره می‌شود، باید هویت‌های فرهنگی و سیاسی دیگری را نیز که توسط سیاستمداران ترکیه پذیرفته شده و ممکن است بر سیاست خارجی تأثیر گذاشته باشند، شناسایی کرد. این هویت‌ها شامل اوراسیا گرایی، پان ترکیسم و پوپولیسم هستند (Kubicek, 2022, p.652).

حزب حاکم عدالت و توسعه در ترکیه تلاش کرده است تا وضعیت کشور را به‌عنوان یک رهبر منطقه‌ای ارتقاء داده و نفوذ جهانی خود را گسترده نماید. برای رسیدن به این هدف، دولت بر تقویت روابط با کشورهای عمدتاً مسلمان غرب آسیا، مشارکت فعال در سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری اسلامی^۱ (OIC) و بهره‌برداری از تاریخ غنی و هویت فرهنگی ترکیه برای تقویت قدرت نرم خود تمرکز کرده است (Süsler, 2019, p.8). با توجه به تحولات سهمگین روی داده در غرب آسیا پس از خیزش‌های عربی، حزب حاکم عدالت و توسعه از سال ۲۰۱۱ تلاش کرده است تا کشور را به‌عنوان یک رهبر جهانی در حوزه بشردوستانه معرفی کند و بر هویت اسلامی و وظیفه کمک به دیگران تأکید نماید. رویکرد حزب عدالت و توسعه که به‌عنوان «رویکرد ترکی» به صلح سازی شناخته می‌شود، با روش‌های سنتی غربی تفاوت دارد (Tank, 2021, p.84). در این مقاله، از نظریه سازه‌نگاری به‌عنوان دیدگاهی برای تحلیل و ارزیابی تأثیر ساختارهای هویتی بر شکل‌گیری سیاست خارجی ترکیه در غرب آسیا پس از خیزش‌های عربی بهره گرفته شده است. تمرکز اصلی این تحقیق بر چهار مؤلفه کلیدی است که تأثیر زیادی بر سیاست غرب آسیایی ترکیه دارند: هویت نئو-عثمانی، تمایلات اسلامی اخوان‌المسلمینی، پان ترکیسم و سیاست جدید قرن ترکیه که در زیر به‌صورت مفصل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱. نو عثمانی گری و جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ترکیه

نو عثمانی گری به آرزوی ترکیه برای بازپس‌گیری نقش رهبری در مناطقی به‌ویژه در منطقه غرب آسیا اشاره دارد که پیش‌تر تحت کنترل امپراتوری عثمانی بودند. تحت ریاست جمهوری رجب طیب اردوغان این ایدئولوژی در مشارکت فعال ترکیه در جنگ داخلی سوریه، عراق و لیبی

1. Organization of Islamic Cooperation

نمایان شده است. نو عثمانی گری خواهان سیاست خارجی ترکیه‌ای است که مرزهای ملی را پشت سر بگذارد و میراث عثمانی خود را منعکس کند. تحولات اخیر در سیاست خارجی ترکیه که از تمرکز سنتی آن بر غرب دور شده است، قابل توجه است. این تغییر به تمرکز بیشتر بر غرب آسیا و اوراسیا به رویکردی قاطعانه و ملی‌گرایانه اشاره دارد که برخی آن را نو-عثمانی یا امپریالیستی می‌دانند (Kubicek, 2022, p.645). مفهوم «نو-عثمانیسم» به سیاست خارجی ترکیه اطلاق می‌شود به‌ویژه هنگامی که از جاه‌طلبی‌های ادعایی ترکیه برای بازپس‌گیری منطقه شام یا بازپس‌گیری سلطه‌اش در منطقه {به‌ویژه غرب آسیا} سخن گفته می‌شود (van Veen & Yüksel, 2018, p.16). ترکیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ شاهد تغییرات چشمگیری در سیاست خارجی خود تحت رهبری تورگوت اوزال بود. اوزال رویکرد جدیدی به نام «نو-عثمانیسم» معرفی کرد که از فلسفه قبلی کمالیستی فاصله می‌گرفت. این رویکرد جدید بر سیاست خارجی فعال‌تر و متنوع‌تری در منطقه تأکید داشت که از گذشته عثمانی ترکیه الهام می‌گرفت (Zaarour, 2018, p.9-10). پس از جنگ سرد تورگوت اوزال، ترکیه را تشویق کرد که با گذشته امپراتوری خود دوباره ارتباط برقرار کند با این هدف که اجماع داخلی جدیدی را شکل بدهد که در واقع هویت‌های متنوع ترکیه از جمله هویت‌های غربی، مسلمان، سکولار، کردی و ترک را در برگیرد. این نو-عثمانی‌گرایی به‌عنوان یادآوری از امپراتوری چندملیتی تاریخی ترکیه است که از غرب آسیا، شمال آفریقا، بالکان و بخش‌هایی از اروپای مرکزی گسترش یافته بود (Taşpinar, 2011).

ظهور دوباره نو-عثمانی‌گرایی اهمیت پیمان لوزان را کاهش داد و خواستار رد آن شد. شکوه تاریخی امپراتوری عثمانی که با قلمروی وسیع خود از بالکان تا غرب آسیا و شمال آفریقا امتداد پیدا کرده بود، مرزهای تعیین شده در پیمان لوزان را تحت‌الشعاع قرارداد (Yanarocak, 2021). رجب طیب اردوغان، چهره برجسته حزب و رئیس‌جمهور ترکیه از سال ۲۰۰۲، تمایلاتی برای رهبری در دنیای اسلام نشان داده است. درعین حال، سیاست خارجی ترکیه با بهره‌گیری از مفاهیم جدید هویتی از غرب فاصله گرفته و بیشتر به سمت موضع‌گیری قاطعانه‌تری پیش رفته است که به‌نوعی تحت تأثیر آرمان‌های نو-عثمانی قرار دارد (Yanarocak, 2021).

با توجه به این موضوع، نیاز به یک دیدگاه دقیق‌تر وجود دارد. به‌جای آن که تمرکز مجدد ترکیه بر غرب آسیا را به‌عنوان یک واکنش اجباری ببینیم، صحیح‌تر است که آن را به‌عنوان یک

تغییر عمده‌ی در هویت بشناسیم (Warning & Kardas, 2011, p.128). مفهوم اسلام‌گرایی عثمانی شامل استانداردهای خاص و نانوشته‌ای برای تعلق به گروه است. مشابه ملی‌گرایی جمهوری خواهانه، این استانداردها به اقدامات فردی مربوط می‌شوند. با این حال، در این مورد، شرایط کلیدی برای هویت، دیانت و تحسین امپراتوری عثمانی تاریخی است. تأکید بر دیانت یک تم اساسی در سخنرانی‌های رجب طیب اردوغان است که بارها هدف خود را در ایجاد جامعه‌ای دین‌دار اعلام کرده است (Hintz, 2016, pp.345-346).

رویکرد نئو-عثمانی حزب عدالت و توسعه دارای سه عامل اصلی است. اولین عامل، پذیرش میراث عثمانی ترکیه هم در داخل و هم در سطح بین‌المللی است. در حالی که هدف آن بازسازی امپراتوری عثمانی نیست، نئو-عثمانی‌گرایی به دنبال سیاست خارجی فعال‌تر به‌ویژه در سرزمین‌های سابق عثمانی است. به جای سکولاریسم سخت، نئو-عثمانیسم شکلی معتدل از سکولاریسم را ترویج می‌کند و بر تأثیرات فرهنگی و دیپلماتیک تمرکز دارد. دومین عامل، نئو-عثمانیسم نمایانگر احساس عظمت و اعتماد به نفس در سیاست خارجی ترکیه است. این رویکرد، ترکیه را به عنوان یک ابرقدرت منطقه‌ای می‌بیند که نقش فعالی در یک منطقه وسیع ایفا می‌کند. این امر نیاز به یک دولت ملت دارد که هویت‌های متنوع خود از جمله گذشته مسلمان و چندملیتی‌اش را بپذیرد. سومین عامل، نئو-عثمانیسم به دنبال برقراری پل ارتباطی میان غرب و دنیای اسلام است. همانند استانبول که در مرزهای اروپا و آسیا قرار دارد، نئو-عثمانیسم چندبعدی است (Taşpınar, 2011).

دولت حزب عدالت و توسعه در ترکیه با احیای شور ملی‌گرایانه‌ای همراه بوده است که الهام‌گیری از برجستگی تاریخی امپراتوری عثمانی را به دنبال داشته است. این ایدئولوژی نئو-عثمانی که در سال‌های اخیر توجه زیادی را جلب کرده، به دنبال بازتعریف نفوذ منطقه‌ای ترکیه و احیای عناصر میراث عثمانی است. این روند بازتابی از تغییرات وسیع‌تر به سمت اسلام‌گرایی محافظه‌کارانه است که از دهه ۱۹۷۰ در بسیاری از کشورهای مسلمان گسترش یافته است (Bellou, 2017, p.15). از سال ۲۰۰۲، سیاست خارجی ترکیه بدون در نظر گرفتن نقش تأثیرگذار احمد داووداوغلو قابل‌درک نیست. وی در کتاب خود با عنوان «عمق استراتژیک»، به اهمیت ژئوپلیتیکی ترکیه پرداخته و استراتژی جامعی برای نقش جهانی کشور تدوین کرده است. داووداوغلو نظریه‌ای را که ترکیه باید تنها به عنوان پلی میان جهان اسلام و غرب عمل کند رد

می‌کند و به جای آن به دنبال نقشی فعال‌تر در سیاست جهانی است که از میراث عثمانی الهام گرفته شده باشد (Bellou, 2017, p.15). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان ساختار دوقطبی جهان، داوود اوغلو رویکرد کشورش را با تأکید بر وضعیت جغرافیایی و فرهنگی منحصربه‌فرد آن تعریف کرد. او ترکیه را به‌عنوان یک «قدرت مرکزی» می‌دید که مسئولیت دارد به‌طور فعال بر منطقه اطراف خود تأثیر بگذارد (Zaarour, 2018, p: 17).

این گفتمان بهره‌گیری از میراث عثمانی در واقع زمینه‌ساز سیاست خارجی توسعه‌طلبانه شد. حملات نظامی ترکیه به عراق و سوریه، همراه با استقرار نیروهای ترکیه در این مناطق تازه اشغال‌شده برای ایجاد مرزهای دفاعی، با قطعنامه «بیمان ملی» پارلمان عثمانی هم‌راستا است (Yanarocak, 2021). مخالفت فکری احمد داوود اوغلو با غربی شدن ترکیه همراه با نقدهای فلسفی او، از طریق شکل جدیدی از نئو-عثمانی‌گرایی نمایان شد (Warning & Kardas, 2011, p.126) وی معتقد است که زمینه تاریخی و فرهنگی غنی ترکیه که ریشه در امپراتوری عثمانی دارد، چشم‌انداز جغرافیایی جدیدی ایجاد می‌کند و احساسی از ارتباط با مناطق هم‌جوار به وجود می‌آورد (Zaarour, 2018, p.23).

اردوغان در سخنرانی‌های خود، از استانبول تا بوسنی، از ازمیر تا بیروت و از آنکارا تا بیت‌المقدس را در قلمرو نفوذ ترکیه می‌دانست و از این رو، سیاست خارجی ترکیه را بر اساس این رؤیاهای امپراتوری نو عثمانی شکل می‌داد (Ahmadian et al., 2016, p.159). داوود اوغلو نیز همانند اردوغان تأکید می‌کند که: «علاوه بر نمایندگی از ۷۰ میلیون شهروند ترکیه، ما یک وظیفه تاریخی نسبت به مناطقی داریم که روابط یا ارتباطاتی با تاریخ ترکیه دارند. باید این وظیفه را به مؤثرترین شیوه ممکن انجام دهیم.» به‌طور مشابه، اردوغان نیز به همین منوال اشاره دارد که: «من متقاعد شده‌ام که ترکیه مسئولیت‌های بزرگی در غرب آسیا دارد. ما این وظیفه را می‌شناسیم و به آن پایبندیم» (Zaarour, 2018, p.23).

ترکیه کمالیستی، برخلاف پیشینیان عثمانی خود، عمدتاً به مرزهای موجود کشورهای دیگر احترام می‌گذاشت و از دخالت در امور داخلی آنها پرهیز می‌کرد (Yanarocak, 2021). با این حال سردمداران حزب عدالت و توسعه به‌ویژه شخص رجب طیب اردوغان با وجود مشکلات

اقتصادی، به پیگیری ابتکارات سیاست خارجی قاطعانه خود در مناطقی مانند دریای مدیترانه شرقی، سوریه، عراق و لیبی ادامه داده‌اند (Yanarocak, 2021).

۲. اسلام‌گرایی و گرایش به اخوان المسلمین

اسلام مورد نظر حزب عدالت و توسعه تفاوتی اساسی با اسلام سنتی دارد. این حزب، اسلام را به گونه‌ای تعدیل کرده که در آن، جای مبارزه با گفت‌وگو و تعامل عوض شده است. مفهوم انقلاب به اصلاح تغییر شکل داده، مقاومت به مذاکره تبدیل شده، احکام اسلامی با عرف و زمانه سازگار و تا حدی سکولار شده‌اند و عقل بشری و ابزاری در کنار فهم دینی، جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند (Mashregh News, 2011).

خیزش‌های عربی در سال ۲۰۱۱، گروه اخوان المسلمین را در کشورهایمانند مصر، تونس و سوریه به اوج صحنه سیاسی غرب آسیا رساند. ترکیه تحت رهبری حزب عدالت و توسعه، اخوان المسلمین را به‌عنوان متحدی ایدئولوژیک در پیشبرد اهداف خود در منطقه غرب آسیا می‌دید. ریشه‌های اسلام‌گرایانه حزب عدالت و توسعه با دیدگاه سیاسی اخوان المسلمین همخوانی داشت که این موضوع، ترکیه را به حمایت از جنبش‌ها و دولت‌های وابسته به اخوان المسلمین در منطقه سوق می‌داد. این همسو شدن عواقب قابل توجهی به‌ویژه در مصر داشت، جایی که حمایت ترکیه از محمد مرسی و دولت اخوان المسلمین پس از کودتای نظامی ۲۰۱۳ روابط با مصر را تیره کرد. موضع طرفداری ترکیه از اخوان المسلمین همچنین این کشور را با پادشاهی‌های خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی که اخوان المسلمین را تهدیدی برای حاکمیت خود می‌دیدند، در تضاد قرار داد.

مفهوم هویت، نقش مرکزی در شکل‌دهی به رویکرد سیاست غرب آسیایی ترکیه ایفا می‌کند که بر حاکمیت ملی و بهره‌گیری از نقش دین تأکید دارد. دولت اردوغان ترکیه را که بر پایه هویت سنی مسلمان خود استوار است، به‌عنوان نیرویی برجسته در جهان اسلام می‌بیند و آن را مدافع و حامی منافع مسلمانان در سراسر جهان تصور می‌کند. اردوغان بیان داشته است که ارتش ترکیه «منبع امید برای مظلومان، قربانیان، خویشاوندان و جامعه مسلمانان گسترده‌تر» است (Kutlay & Öniş, 2021, p.1092). سیاست ترکیه مبنی بر اجتناب از درگیری با همسایگان خود پس از خیزش‌های عربی به طرز شگفت‌انگیزی غیرقابل تحمل شد. انتخاب محمد مرسی از

اخوان المسلمین به عنوان رئیس جمهور مصر در سال ۲۰۱۲ فرصتی را برای ترکیه فراهم کرد تا با مصر همکاری کند. با این حال، حمایت ترکیه از تغییر رژیم در سوریه صرفاً با انگیزه‌های بشردوستانه نبود. این کشور همچنین قصد داشت یک دولت دموکراتیک تحت سلطه سنی در سوریه ایجاد کند که با ترکیه و مصر همسو باشد و در نتیجه، نفوذ ایران را در منطقه تضعیف کند. این امر با هدف گسترده‌تر ترکیه برای مقابله با «هلال شیعه»، یک مفهوم ژئوپلیتیکی شامل عراق، سوریه و لبنان که تهدیدی برای منافع آن تلقی می‌شد، همسو بود (Zaarour, 2018, p. 28).

با آغاز خیزش‌های عربی، ترکیه پشتیبانی گسترده‌تری از جریان‌های افراطی اسلامی، خصوصاً در کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا، از جمله مصر، تونس و سوریه، به عمل آورد (Ghasemi & Madadi, 2021, p. 237). پس از اتفاقات خیزش‌های عربی در سوریه، روابط ترکیه با کشورهای غربی از سال ۲۰۱۴ به طور چشمگیری تغییر کرد. ترکیه تمایل کمتری به حفظ روابط اقتصادی و سیاسی قوی با غرب نشان می‌داد و شخص اردوغان علاقه کمی به حفظ ویژگی سکولار و طرفدار-غربی داشت (Wooley, 2023). رابطه ایدئولوژیکی حزب عدالت و توسعه با اخوان المسلمین نقش مهمی در بازتعریف موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع ترکیه ایفا کرده است. این اتحاد یک شبکه و ایدئولوژی اسلامی معتدل و دموکراتیک فراهم آورد که با اعتراضات مردمی هم‌راستا بود (van Veen & Yüksel, 2018, p. 17). لازم به ذکر است که اخوان المسلمین به عنوان یک نمونه برجسته از جنبش سیاسی ریشه‌دار در باورهای دینی در اوایل قرن بیستم ظهور کرد و با گذشت زمان، این سازمان یک دستور کار سیاسی متمایز را با هدف تأثیرگذاری بر دولت و جامعه از طریق تفسیر خود از اصول دینی توسعه داد (Bellou, 2017 p: 12).

سیاست خارجی ترکیه تحت حکومت حزب عدالت و توسعه تغییرات قابل توجهی داشته است که با رویکردی اسلامی تر همراه است. این تغییر به ویژه در روابط روبه‌زوال با اسرائیل مشهود است. محکومیت عمومی اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی توسط اردوغان، مانند ترک سالن در اجلاس مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۰۹، با استقبال گسترده‌ای از سوی حامیانش مواجه شد که او را به عنوان قهرمان جهان اسلام می‌دیدند (Hintz, 2016, p. 351). ترکیه تحت رهبری حزب عدالت و توسعه خود را به شدت با بلوک سنی، به ویژه جنبش اخوان المسلمین، هم‌راستا کرد. این موضع‌گیری در تضاد مستقیم با بلوک شیعه به رهبری ایران قرار داشت. تمایلات فرهنگی حزب

عدالت و توسعه با این تغییرات نیز هم‌راستا بود. دیدگاه اخوان المسلمین برای احیای جهانی سنی‌ها با حزب عدالت و توسعه که خود را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در این تحولی منطقه‌ای می‌دید، هم‌خوانی داشت (Gürpınar, 2020, p.13). ترکیبی از ملی‌گرایی ترکیه و هویت اسلامی بازتاب تأثیر ایدئولوژیک نو عثمانی‌گری است که از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه روابط قوی‌تری با اخوان المسلمین برقرار نمود و به مرکزی برای کنفرانس‌های بین‌المللی مهم متمرکز بر جهان اسلام تبدیل شد (Maziad & Sotiriadis, 2020).

ظهور اخوان المسلمین با قدرت فزاینده حزب عدالت و توسعه هم‌راستا شد. ترکیه درگیر یک درگیری منطقه‌ای شد که پس از برکناری صدام حسین آغاز گردید. این تغییرات ژئوپلیتیکی منجر به یک کشمکش قدرت سنی بین عربستان سعودی و قطر شد. قطر فعالانه از جنبش اخوان المسلمین در سراسر منطقه غرب آسیا نه تنها به منظور مقابله با ایران بلکه برای به چالش کشیدن عربستان سعودی و متحدانش حمایت می‌کرد (Gürpınar, 2020, pp.13-14).

قیام‌های بهار عربی و حمایت قاطعانه از گروه‌هایی مانند اخوان المسلمین در مصر و تونس و تلاش برای تغییر رژیم در سوریه، ترکیه را در تقابل مستقیم با قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، عربستان سعودی و امارات قرار داد. این کشور به جای کاهش تنش، به دنبال افزایش نفوذ و رهبری منطقه‌ای بود (Ghasemi & Madadi, 2021, p.238). ترکیه به‌عنوان همسایه قدرتمند سوریه روابط به‌شدت پرفراز و نشیبی را با این کشور تجربه کرده است که این تنش‌ها منجر به دخالت ترکیه در امور سوریه با انجام چهار حمله نظامی به این کشور از سال ۲۰۱۶ شده که به اشغال بخش‌های قابل توجهی از شمال سوریه توسط ترکیه انجامید (Çevik, 2024, p.10).

دولت ترکیه در کنار ایالات متحده، از دهه ۱۹۷۰ از اخوان المسلمین در سوریه علیه حزب بعث حاکم حمایت کرده است (Uysal, 2019). در آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، ترکیه حمایت فعال از ارتش آزاد سوریه و جامعه ترکمن در منطقه جبل ترکمن انجام داد. علاوه بر این، ترکیه به‌طور ضمنی اجازه داد که جنگجویان تکفیری که نسبت به کردهای سوریه خصومت داشتند از مرزهای آن عبور کرده و به داعش بپیوندند (Yanarocak, 2021).

در ارتباط با موضوع آغاز خیزش‌های عربی در سوریه، حزب عدالت و توسعه ابتدا تلاش کرد تا اپوزیسیون سوریه را حول شورای ملی سوریه به رهبری اخوان المسلمین متحد کند. آنها بر این

باور بودند که اخوان المسلمین و حزب اهداف مشابهی دارند و این اهداف با منافع ملی ترکیه هماهنگ است (Gürpınar, 2020, p.11). ترکیه تلاش نمود تا موقعیت خود را به عنوان یک قدرت جهانی برجسته تقویت کرده و نقش رهبری سستی خود را در دنیای اسلام و منطقه وسیع تر باز پس گیرد (Zaarour, 2018, pp, 26-27).

اردوغان به طور علنی از اخوان المسلمین سوریه حمایت کرده و حتی از رئیس جمهور اسد خواسته بود تا به این جنبش وضعیت قانونی بدهد. رهبران اخوان المسلمین سوریه در تبعید در ترکیه زندگی می کردند. زمانی که جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، وزیر خارجه ترکیه، احمد داوود اوغلو، از رئیس جمهور اسد خواست تا اصلاحات سیاسی مهمی را اجرا کند، از جمله گنجاندن اخوان المسلمین سوریه در سیاست سوریه. این موضع با حمایت گسترده ترکیه از اخوان المسلمین در پاسخ به خیزش های عربی هم راستا بود که تحت تأثیر باورهای دینی-ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه، ارتباطات فراملی و فضای رو به رشد برای سیاست خارجی قوی تر در ترکیه قرار داشت (van Veen & Yüksel, 2018, p.22). ترکیه از ابتدای جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، با حمایت از مخالفان سوری و گروه های تروریستی، به طور غیرمستقیم فشار زیادی به حکومت اسد وارد کرد. این حمایت ها که شامل حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه های افراطی بود، موجب تقویت جبهه مخالفان و افزایش نارضایتی ها در داخل سوریه شد و در نهایت به سقوط حکومت بشار اسد کمک کرد (Student News Agency, 2024).

۳. پان ترکیسم و همبستگی قومی ترک ها

پان ترکیسم بر همبستگی قومی میان ملت های ترک تأکید دارد و از تقویت روابط میان ترکیه و کشورهای ترک زبان و جوامع ترک زبان در غرب آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز حمایت می کند. در حالی که پان ترکیسم به طور تاریخی بر آسیای مرکزی متمرکز بوده است، در دهه های اخیر، تأثیر آن به اقلیت های ترک زبان در غرب آسیا، مانند سوریه و عراق، نیز گسترش یافته است. عملیات ترکیه در شمال سوریه، به ویژه در مناطقی که دارای جمعیت ترکمن است، ابعاد پان ترکیستی در سیاست غرب آسیایی این کشور را نشان می دهد. با ترویج رفاه و حمایت از اقلیت های ترک زبان، ترکیه در تلاش بوده تا نفوذ منطقه ای خود را در میان قومیت های ترک زبان

غرب آسیا از جمله ترکمن‌های عراق و سوریه تقویت کند. پان‌ترکیسم همچنین در روابط ترکیه با آذربایجان دارای نقشی بسیار اثرگذار است، همان‌طور که در درگیری ۲۰۲۰ قره‌باغ کوهستانی میان ارمنستان و آذربایجان مشاهده شد، جایی که ترکیه حمایت قاطعانه‌ای از هم‌پیمان ترک‌زبان خود نشان داد.

پان‌ترکیسم یکی از ارکان سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه است. این ایدئولوژی بیان می‌کند که مردمان ترک‌زبان، با اشتراک نژاد و زبان خود، باید متحد شوند. این مردمان که از بالکان تا سبیری را شامل می‌شوند، دارای اجداد مشترک هستند، اما به تدریج پراکنده شده‌اند (Krzyżanowska, 2024). ایده پان‌ترکیسم، هرچند که به نظر قدیمی می‌رسد، هنوز در جامعه ترکیه وجود دارد. این امر به دلیل مهاجرت تاریخی ترک‌ها از آسیای مرکزی به ترکیه مدرن است که تأثیر زیادی بر هویت ملی ترکیه داشته است. میراث فرهنگی مشترک و تبادلات آموزشی، حس تعلق به یک جامعه بزرگ‌تر ترک‌زبان را تقویت می‌کند (Krzyżanowska, 2024).

در گذشته نزدیک، علاقه به «میثاق ملی»^۱، در سال ۱۹۲۰ تصمیم نهایی پارلمان عثمانی درباره مرزهای سرزمین مادری که از شبه‌جزیره خالکیدیکی در یونان در غرب تا موصل، کرکوک و حلب کشیده شده بود، دوباره احیاء شده است. این دیدگاه تجدید نظرطلبانه در میان گروه‌های حامی دولت در جامعه ترکیه رواج یافته است. علاوه بر این، ایده پان‌ترکی «سیب سرخ»^۲ که تجمع همه ملت‌های ترکی را تحت رهبری واحد به منظور دستیابی به هدف خاصی مانند گسترش سرزمینی پیش‌بینی می‌کند، به موضوعی برجسته در گفتمان سیاسی ترکیه تبدیل شده است (Yanarocak, 2021). نگاه جهانی ترکیه بر وحدت و اهمیت ملت‌های ترک تأکید زیادی دارد؛ این کشور خود را به‌عنوان نیروی پیشرو میان این ملت‌ها می‌بیند. مفهوم پان‌ترکیسم که همبستگی میان مردمان ترک‌زبان را ترویج می‌کند، در اندیشه سیاسی شهروندان و مقامات دولتی ترکیه به شدت ریشه دوانده است (Krzyżanowska, 2024).

ایدئولوژی نئواسلام‌گرای عثمانی ترکیه که تمایلات پان‌ترک‌گرایانه‌اش را تقویت کرده است، به دنبال احیای نفوذ امپراتوری سابق و اتخاذ موضع بازنگرانه‌ای در زمینه امنیت منطقه‌ای است. رئیس‌جمهور اردوغان اغلب با به چالش کشیدن معاهده لوزان ۱۹۲۳ که مرزهای مدرن

1. Misak-ı Milli
2. Kızıl Elma

ترکیه را تعیین کرد، احساسات ملی‌گرایانه را تحریک می‌کند. او اعلام می‌کند که ترکیه به‌طور ناعادلانه‌ای در این توافق‌نامه سرزمین‌هایی را از دست داده و اکنون حق بازپس‌گیری آن‌ها را دارد. این ادعا بر اساس «میثاق ملی» ۱۹۲۰ است که اهداف سرزمینی بلندپروازانه‌ای برای امپراتوری عثمانی ترسیم کرده است، از جمله بخش‌هایی از یونان، قبرس، سوریه، عراق، ارمنستان، گرجستان و حتی ایران (Maziad & Sotiriadis, 2020). در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۶، اردوغان سخنرانی ویژه‌ای ایراد کرد که در آن به‌طور استراتژیک نگرانی‌هایی را برای تقویت ملی‌گرایی ترکی و بهره‌برداری از «سندروم سیور»^۱ ترسی عمیق و ریشه‌دار که نشان‌دهنده ترس از تجزیه ترکیه به دست قدرت‌های غربی است، مطرح کرد (Yanarocak, 2021).

اردوغان اعلام نموده است که ترکیه باید سیاست خارجی توسعه‌طلبانه‌ای به نام دکترین «تنهایی گران‌بها» اتخاذ کند تا چالش‌های کنونی خود را حل کند. اردوغان در سخنرانی خود که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۷ ایراد کرد، کاهش قابل توجه سرزمین‌های امپراتوری عثمانی را از ۱۸ میلیون کیلومتر مربع به ۷۸۰ کیلومتر مربع ترکیه فعلی مورد اشاره قرار داد. این ایده‌ها به‌طور مکرر در گفت‌وگوهای عمومی ترکیه مورد بررسی قرار گرفته است (Yeni Şafak, 2017). ترکیه استراتژی منطقه‌ای را در پیش گرفته است که از مفاهیمی مانند جامعه ترک‌زبانان، دنیای اسلام و «جغرافیای قلب» بهره می‌برد تا با برخی کشورهای یا گروه‌هایی که ارزش‌های فرهنگی و دینی مشابه دارند، همکاری مؤثرتری برقرار کند. ترکیه با تقویت توانمندی‌های دولتی و قدرت اقتصادی خود، روابط خود را با سایر کشورهای ترک‌زبان تقویت کرده است (Ataman, 2023, pp. 84-85).

ترکیه هم‌چنین نقشی برجسته در بازسازی سازمان بین‌المللی پان‌ترکی، معروف به «سازمان کشورهای ترک‌زبان»^۲ OTS ایفا کرده است و روابط میان ملت‌های ترک‌زبان را به رسمیت شناخته است. OTS که مقر آن در استانبول است، به‌عنوان مهم‌ترین مجمع برای جامعه ترک‌زبان شناخته شده است. از طریق این سازمان، ترکیه هدف دارد روابط نظامی، دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی خود را با منطقه ترک‌زبان تقویت کند (Ataman, 2023, p. 85). در داخل ترکیه نیز، حزب عدالت و توسعه با احزاب مختلفی وارد همکاری شده است. پس از تشکیل شراکت سیاسی بین

1. Sèvres syndrome
2. Organization of Turkic States

حزب عدالت و توسعه تحت رهبری اردوغان و حزب حرکت ملی (MHP) در نوامبر ۲۰۱۵، آرزوهای نئو-عثمانی اردوغان به شدت با ملی‌گرایی ترکیه پیوند خورد. این پیوند، به‌ویژه پس از کودتای نافرجام در جولای ۲۰۱۶، به اردوغان این امکان را داد تا حمایت عمومی را به‌طور مؤثری جلب کند. ابعاد این دیدگاه در رئوس سخنرانی‌های اردوغان مشهود بود که در نهایت به عملیات نظامی در مناطقی مانند شرق مدیترانه، سوریه، عراق، لیبی و قره‌باغ تبدیل شد (Yanarocak, 2021).

در صحنه داخلی سیاست ترکیه، در دهه دوم قرن بیست و یکم، حزب حاکم مسیر خود را از یک حزب فراگیر به نهادی با تمرکز قدرت در دست یک فرد تغییر داد. این تحول، همراه با تقویت گرایش‌های ملی‌گرایانه، سیاست‌های حزب در قبال مسائل داخلی و خارجی، به‌ویژه مسئله کردها را تحت تأثیر قرارداد (Ghasemi & Madadi, 2021, p.242) مشکل کردها ارتباط عمیقی با تأسیس دولت ترکیه دارد. ایجاد یک ملت متحد نیازمند سرکوب بی‌رحمانه بزرگ‌ترین اقلیت فرهنگی و زبانی، یعنی کردها بود (Bellou, 2017, p.17). در این خصوص و به‌ویژه پس از قدرت‌گیری کردها در شمال سوریه، ترکیه سه عملیات نظامی در مرز مشترک خود با سوریه را باهدف سرکوب کردهای سوریه آغاز کرد: سپر فرات در ۲۰۱۶، شاخه زیتون در ۲۰۱۸ و چشمه صلح در ۲۰۱۹. این عملیات‌ها در نظر داشتند تا نیروهای کرد سوری را از منطقه مرزی اخراج کرده، وحدت ملی را تقویت کرده و ملی‌گرایی ترکیه را تقویت کنند (Yanarocak, 2021).

۴. سیاست قرن ترکیه

سیاست «قرن ترکیه» چشم‌اندازی ملی است که توسط اردوغان برای آینده کشور مطرح شده است. این سیاست اهداف متعددی را در برمی‌گیرد، از جمله تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه و گسترش نفوذ آن در غرب آسیا. این سیاست موجب شده است که ترکیه در برخی از درگیری‌های منطقه‌ای مانند عملیات‌هایش در سوریه و روابطش با ایالات متحده و روسیه مواضع مستقلی اتخاذ کند.

در دهه گذشته، یکی از موضوعات کلیدی در سیاست خارجی ترکیه، در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی، تلاش برای دستیابی به خودمختاری در سیاست خارجی بوده است. در سیاست «قرن ترکیه»، این کشور هدف دارد تا استراتژی دیپلماتیک متمرکز بر آنکارا را که بر اولویت‌های خود کشور متمرکز دارد، تقویت کند. در عین حال، بعد انسانی را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که جهانی

منصفانه تر قابل دستيابی است، درحالی که همچنان منافع ترکیه در اولويت قرار دارند. تحت تأثیر نرمال سازی، تحولات و تثبيت های گسترده در سياست داخلی، این رویکرد جديد منجر به شکل گیری چشم اندازی نو به نام «قرن ترکیه» شده است (Ataman, 2023, pp. 74-75).

افزایش برجستگی ترکیه در سپهر سیاسی منطقه غرب آسیا، این کشور را به یکی از بازیگران کلیدی در امور منطقه ای و بین المللی تبدیل کرده است. توانایی ترکیه در نزدیک کردن کشورهای دیگر منطقه به یکدیگر در شکل گیری قدرت منطقه ای آن نقش بسزایی داشته است (Almuedo, 2011). اردوغان که در زمینه ابتکارات جديد سياست مدار ماهری است، اهداف مختلفی برای قرن ۲۱ تعیین کرده که آن را «قرن ترکیه» می نامد. پس از اینکه پیش تر مراحل بلندپروازانه ای برای سال های ۲۰۲۳، ۲۰۵۳ و ۲۰۷۱ ترسیم کرده بود، اخیراً آرزوهای ترکیه را در مسیر تبدیل شدن به یک قدرت جهانی برجسته کرده است. به ویژه، سال ۲۰۵۳ سالگرد ۶۰۰ مین سال فتح استانبول است که یک رویداد کلیدی بود که امپراتوری بیزانس را برچید و قدرت عثمانی را تقویت کرد، درحالی که سال ۲۰۷۱ سالگرد هزارمین سال نبرد ملازگرد است که پیروزی مهمی بود که به ترک های مسلمان اجازه داد آناتولی را به عنوان سرزمین خود بپذیرند (Ataman, 2023, p. 74).

رجب طیب اردوغان به طور برجسته از شعار قرن ترکیه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی کشور استفاده کرده است (Pope, 2023). سخنرانی اردوغان که درست قبل از صدمین سالگرد جمهوری ترکیه ایراد کرد را می توان به سه بخش تقسیم کرد. در بخش اول، او به ابتکارات حزب عدالت و توسعه در گذشته که هدف آن ها غلبه بر چالش ها و محدودیت های چشم انداز سیاسی ترکیه بود، اشاره کرد و تهدیدهای داخلی و بین المللی که کشور در قرن بیستم با آن ها مواجه بود را یادآور شد، تهدیدهایی که دولت او به طور مؤثر آن ها را مدیریت کرده بود. بخش دوم بر دستاوردهای ترکیه تحت رهبری حزب عدالت و توسعه متمرکز بود و اصلاحات انجام شده در بخش های مختلف را تشریح کرد و بیست سال گذشته را به عنوان زمانی برای پرداختن به مشکلات جمهوری و آماده شدن برای قرن آینده آن معرفی کرد. درنهایت، اردوغان چشم انداز خود را برای ترکیه در قرن ۲۱ ترسیم کرد و تأکید کرد که این کشور از پیرو بودن به یک رهبر در عرصه جهانی تبدیل شده است. او تعهد خود را به ارتقاء ترکیه در میان ده کشور برتر

جهان در چندین حوزه اعلام کرد و بر این نکته تأکید کرد که این دوران جدید نشان‌دهنده یک تغییر تحولی به سمت دموکراسی، توسعه و رفاه جهانی است (Ataman, 2023, p.74). در اکتبر ۲۰۲۲، اردوغان بیان کرد: «در حالی که جهان با چالش‌های عظیمی مواجه است، ما قصد داریم قرن جدید جمهوری خود را با یک ابتکار قوی از طریق قرن ترکیه آغاز کنیم» (Daily Sabah, 2022). سیاست‌گزاران ترکیه در راستای ایجاد محور ترکیه در سیاست اعلامی قرن ترکیه، اخیراً حضور دیپلماتیک خود را به منظور تقویت وجهه بین‌المللی خود گسترش داده‌اند. با داشتن ۲۵۷ مأموریت در سراسر جهان، ترکیه پنجمین شبکه دیپلماتیک بزرگ جهان را در اختیار دارد (Ataman, 2023, p.86). هاکان فیدان وزیر خارجه ترکیه در ارتباط با سیاست قرن جدید ترکیه اظهار می‌دارد که: «من به عنوان وزیر امور خارجه ترکیه در مقطع حساسی از تاریخمان به مسئولیت خود منصوب شدم، زمانی که ما در آغاز دوره‌ای جدید از نوسازی ملی بودیم. چشم‌انداز رئیس‌جمهور اردوغان برای قرن ترکیه، نقشه راهی برای آینده‌ای است که با رشد، توسعه و رهبری جهانی مشخص می‌شود که بر دستاوردهای قرن گذشته با عزم جدیدی بنا شده است» (Fidan, 2023).

چشم‌انداز اردوغان برای قرن ترکیه، چالشی ظریف را علیه ترویج آرمان‌های غربی توسط آتاتورک به منظور تعریف هویت ترکیه مطرح می‌کند. در داخل کشور، روحیه مبهم نو عثمانی‌گری به طرق مختلف از جمله برپایی یک موزه نزدیک به دیوارهای بیزانسی به منظور گرامی‌داشت فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳، بازسازی ایاصوفیه به عنوان مسجد و فرهنگی که کارکنان دولتی را تشویق به شرکت در نماز جمعه به عنوان یک وظیفه مدنی می‌کند تجلی یافته است (Pope, 2023).

وزیر امور خارجه ترکیه، هاکان فیدان در جای دیگری بیان می‌دارد که: «این برنامه جامع، سیاست خارجی ترکیه را هدایت خواهد کرد و رویکرد آن به مسائل جهانی را شکل می‌دهد. این برنامه با تلاش‌های موجود ما برای ایجاد یک منطقه صلح‌آمیز و پررونق هم‌راستا است. وزارت امور خارجه ما با تاریخ غنی، کادر مجرب و شبکه دیپلماتیک وسیع خود، در موقعیت مناسبی قرار دارد تا این چشم‌انداز را به طور مؤثر اجرایی کند» (Fidan, 2023).

از نظر وزارت خارجه تحت نظر هاكان فیدان، دستیابی به اهداف سیاست قرن ترکیه، نیازمند رویکردی استراتژیک و پایدار خواهد بود. ترکیه با اراده سیاسی قوی و توانمندی‌های رو به رشد خود، برای ایفا کردن نقشی کلیدی در شکل‌دهی به این نظم جهانی جدید به‌خوبی آماده است. تلاش ترکیه برای جهانی فراگیرتر، عادلانه‌تر و امن‌تر ریشه در اصول عدالت و انصاف دارد که در فرهنگ ترکیه از دیرباز ریشه‌دار بوده است (Fidan, 2023).

در پیوند با پیگیری سیاست قرن ترکیه، رجب طیب اردوغان، در سخنرانی مراسم تحلیف خود در تاریخ ۴ آوریل ۲۰۲۳ آغاز دوران جدیدی برای ترکیه را جشن می‌گیرد. او با استفاده از تصویر «سیب سرخ جدید»، دوران کنونی را به‌عنوان دوره‌ای از فرصت و گسترش بزرگ توصیف کرد و اعلام نمود که مسیر رشد ترکیه اکنون باز است (Politics Today, 2023). از دید وزارت خارجه ترکیه، در این دوران چالش‌های جهانی، ترکیه نقش خود را به‌عنوان نیروی مثبت در جهان باز تأکید می‌کند. این کشور به‌طور فعال در تلاش است تا به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته و راه‌حلی ارائه دهد و تغییرات مثبت را ترویج کند. ترکیه قصد دارد به یک نظم جهانی فراگیرتر، عادلانه‌تر و امن‌تر کمک کند که همکاری را بر تقسیم اولویت دهد (Fidan, 2023).

هم‌زمان با جشن صدسالگی شکل‌گیری ترکیه نوین، دولت حزب عدالت و توسعه ذیل سیاست قرن ترکیه برنامه‌ای جسورانه برای آینده کشور ارائه داده است، برنامه‌ای شامل ۱۷ اصل کلیدی برای کشوری پایدار، پیشرفته از نظر فناوری و صلح‌آمیز. این چشم‌انداز بلندپروازانه قصد دارد تا توسعه داخلی و بین‌المللی ترکیه را در سال‌های آینده راهبری کند (Politics Today, 2023). از منظر سیاست‌مداران حزب عدالت و توسعه، برای مقابله با تهدیدات فزاینده و استفاده از فرصت‌های جدید، ترکیه باید سیاست خارجی فعالانه‌ای اتخاذ کند که تلفیقی از دیپلماسی ظریف و اقدام عملی باشد. با تاریخ دیپلماتیک غنی، ترکیه از موقعیت استراتژیک خود، دانش تاریخی، نهادهای قوی، مردم مستعد و اقتصاد پویا برای برقراری پل‌هایی میان گذشته و آینده بهره می‌برد (Republic of

Türkiye Ministry of Foreign Affairs, n.d.)

اردوغان در سخنرانی‌ای که در آنکارا در تاریخ ۲۸ اکتبر ۲۰۲۲ ایراد کرد، چشم‌انداز خود را برای دوران جدید رهبری ترکیه بیان نمود. او آرزو داشت که ترکیه در تمام حوزه‌ها، از جمله سیاست، اقتصاد، فناوری، نظامی و دیپلماسی، به یک قدرت برتر جهانی تبدیل شود، درحالی‌که

جهان با چالش‌های قابل توجهی روبرو است (Politics Today, 2023). دیدگاه وزارت خارجه ترکیه در ارتباط با سیاست جدید بیان می‌دارد که «سیاست خارجی ترکیه در تلاش است تا منافع خود را در یک چشم‌انداز جهانی پیچیده حفظ کند، در حالی که صلح و توسعه را در منطقه و فراتر از آن ترویج می‌دهد. برای دستیابی به این هدف، ترکیه به‌طور فعال به ثبات و رفاه جهانی کمک می‌کند. ترکیه اولویت را به حل مسالمت‌آمیز منازعات می‌دهد تا ثبات منطقه‌ای را در میان درگیری‌های جاری، سختی‌های اقتصادی و جابجایی‌های گسترده حفظ کند. یک ترکیه قدرتمند برای صلح و پیشرفت پایدار در منطقه ضروری است. اهداف بلندپروازانه‌ای که رئیس‌جمهور ما تعیین کرده است، نه تنها استانداردهای زندگی را در داخل کشور بهبود خواهد بخشید، بلکه نقش ترکیه را در ترویج ثبات و رفاه فراتر از مرزهای آن تقویت خواهد کرد. سیاست خارجی ما منافع ملی را در اولویت قرار خواهد داد و درعین حال در تلاش است تا به هماهنگی جهانی در این دوران جدید رهبری ترکیه دست یابد» (Republic of Türkiye Ministry of Foreign Affairs, n.d.).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتیجه‌گیری

هویت در سیاست خارجی ترکیه، به‌ویژه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه نقش محوری در شکل‌دهی به رویکردهای این کشور در منطقه غرب آسیا ایفا کرده است. تحول این هویت از چارچوب‌های سنتی رئالیستی-کمالیستی به سمت مفاهیمی سازه‌انگارانه و هویت‌محور، بازتاب‌دهنده تغییری بنیادین در دیدگاه‌های استراتژیک ترکیه بوده است. این تغییر با مفاهیمی نظیر نوعثمانی‌گرایی، حمایت از اخوان‌المسلمین و گرایش‌های پان‌ترکیستی، نه تنها رویکردهای ترکیه در ایجاد اتحادها و مدیریت منازعات منطقه‌ای را متأثر ساخته، بلکه زمینه‌ساز تلاش‌های آنکارا برای احیای نقش تاریخی و هویتی خود در منطقه شده است آنچه از مطالب گفته‌شده برمی‌آید این است که سیاست غرب آسیایی ترکیه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴ تحت تأثیر شدید ایدئولوژی‌های مبتنی بر هویت بوده است، از جمله نئو-عثمانی‌گری، اخوان‌المسلمین، پان-ترک‌گرایی و سیاست قرن ترکیه. درحالی‌که نئو-عثمانی‌گری و حمایت از اخوان‌المسلمین نفوذ ترکیه را در میان برخی

بازیگران گسترش داده است، همچنین موجب ایجاد تنش‌هایی با قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و مصر شده است. پان-ترک‌گرایی بعد جدیدی از نفوذ را برای ترکیه فراهم کرده است، به‌ویژه در میان جوامع ترک‌زبان در غرب آسیا و فراتر از آن. سیاست قرن ترکیه نیز بلندپروازی‌های وسیع‌تری را از ترکیه نمایان می‌کند که در تلاش است این کشور را به‌عنوان یک قدرت غالب منطقه‌ای تا سال ۲۰۲۳ و پس از آن تثبیت کند.

تحولات پس از خیزش‌های عربی به‌طور ویژه فرصتی برای ترکیه فراهم آورد تا از طریق استفاده از پیشینه‌های مشترک دینی و قومی، نفوذ خود را در غرب آسیا گسترش دهد. تحلیل‌های ارائه شده در این پژوهش نشان می‌دهد که ترکیه، با بهره‌گیری از چارچوب‌های سازه‌انگاران، تلاش کرده است تا خود را به‌عنوان جانشین مدرن امپراتوری عثمانی معرفی کند. می‌توان نتیجه گرفت که سیاست خارجی ترکیه، با تکیه بر مفاهیم هویتی و عمق تاریخی، درصدد بازتعریف نقش خود در منطقه غرب آسیا و حتی فراتر از آن است؛ رویکردی که هم فرصت‌ها و هم چالش‌های متعددی را برای این کشور به همراه دارد. تحقیقات انجام‌شده پیچیدگی‌های سیاست خارجی مبتنی بر هویت را نشان می‌دهد، جایی که میراث‌های تاریخی و وابستگی‌های ایدئولوژیک می‌توانند هم قدرت‌بخش و هم محدودکننده اهداف استراتژیک یک ملت باشند. همان‌طور که ترکیه به مسیر خود در راستای تحقق اهداف منطقه‌ای ادامه می‌دهد، این مفاهیم هویتی به نظر می‌رسد در سال‌های آینده همچنان بخش مرکزی گفتمان سیاست خارجی آن خواهند بود.

پیشنهادات

- * شناسایی نقاط همگرایی و واگرایی منافع ایران و ترکیه در منطقه، با توجه به تحولات هویتی در سیاست خارجی ترکیه.
- * تأکید بر دیپلماسی فعال و چندجانبه با کشورهای منطقه برای مقابله با تأثیرات منفی سیاست‌های هویتی ترکیه.
- * حمایت از گروه‌های همسو با منافع ملی ایران در منطقه برای مقابله با نفوذ گروه‌های تحت حمایت ترکیه.

* ارزیابی سناریوهای پیش رو با توجه به سیاست های ترکیه و ارائه راهکارهایی برای مواجهه با هر سناریو.

پژوهش های آتی می توانند به بررسی دقیق تر و جزئی تر تأثیر هر یک از مؤلفه های هویتی (نوعثمانی گرایی، گرایش به اخوان المسلمین، پان ترکیسم و چشم انداز قرن ترکیه) بر سیاست منطقه ای ترکیه بپردازند.



فهرست منابع

- Ahmadian, G., Daneshnia, F., & Karmian, K. (2016). Identity and Middle Eastern foreign policy of Iran and Turkey in Syria. *Global Politics Quarterly*, 5(4), 141–173.[in persian]
- Almuedo, A. (2011). New Turkish foreign policy towards the Middle East: Neither so new, nor so Turkish. IEMED. Retrieved from <https://www.iemed.org/publication/new-turkish-foreign-policy-towards-the-middle-east-neither-so-new-nor-so-turkish/>
- Altunışık, M. B. (2020). New Turn in Turkey's Foreign Policy in the Middle East: Regional and Domestic Insecurities. *Istituto Affari Internazionali (IAI)*.
- Ataman, M. (2023). The Century of Türkiye: A New Foreign Policy Vision for Building the Türkiye Axis. *Insight Turkey*, 25(3), 73-96. Retrieved from <https://www.insightturkey.com>
- Barkley, H. J. (2011). Turkish foreign policy and the Middle East. *CERI Strategy Papers*, Centre d'études et de recherches internationales (CERI-Sciences Po/CNRS) No, 10.
- Çevik, S. (2024). Turkey's reconciliation efforts in the Middle East: Ambitions and constraints in a changing regional order (No. 15/2024). *Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP)*, German Institute for International and Security Affairs.
- Cumhurbaşkanı Erdoğan: Millete can borcumuz var”, *Yeni Şafak*, December 31, 2017, <https://www.yenisafak.com/gundem/cumhurbaskani-erdogan-millete-can-borcumuz-var-2940994>
- Daily Sabah. (2022, October 28). Century of Türkiye: Revolution to bring peace to world: Erdoğan. <https://www.dailysabah.com/politics/elections/century-of-turkiye-revolution-to-bring-peace-to-world-erdogan>
- Daneshjoo News Agency. (2024, December 17). What was Turkey's role in the fall of Assad's government? Power display or suppression of Syrian Kurds! Retrieved from <https://snn.ir/fa/news/1205563/%D9%86%D9%82%D8%B4>[in persian]
- Dehshiar, H. (2012). Turkey's Middle Eastern identity: Regional emphasis. *Global Politics*, 1(2), 145–172.[in persian]
- Fidan, H. (2023). Turkish foreign policy at the turn of the century of Türkiye: Challenges, vision, objectives, and transformation. *Insight Turkey*, 25(3). <https://www.insightturkey.com/commentaries/turkish-foreign-at-the-turn-of-the-century-of-turkiye-challenges-vision-objectives-and-transformation>.
- Ghasemi, J., & Madadi, A. (2021). An analysis of Turkey's new foreign policy shift toward the Middle East. *Quarterly Journal of International Relations Research*, 11(3), 225–250.[inpersian]
- Gürpınar, D. (2020). Foreign policy as a contested front of the cultural wars in Turkey: The Middle East and Turkey in the era of the AKP. *Uluslararası İlişkiler Dergisi*, 17(65), 3-21.
- Hintz, L. (2016). “Take it outside!” National identity contestation in the foreign policy arena. *European Journal of International Relations*, 22(2), 335-361.
- Kubicek, P. (2022). Contrasting theoretical approaches to Turkish foreign policy. *Turkish Studies*, 23(5), 645-658.
- Kutlay, M., & Öniş, Z. (2021). Turkish foreign policy in a post-western order: strategic autonomy or new forms of dependence? *International Affairs*, 97(4), 1085-1104.
- Mashregh News. (2011, September 27). Erdogan; Muslim or Islamist? Retrieved from <https://www.mshrgh.ir/68877>[in persian]

- Maziad, M., & Sotiriadis, J. (2020). Turkey's dangerous new exports: Pan-Islamist, neo-Ottoman visions and regional instability. Middle East Institute. <https://www.mei.edu/publications/turkeys-dangerous-new-exports-pan-islamist-neo-ottoman-visions-and-regional>
- Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Türkiye. (n.d.). Synopsis of the Turkish foreign policy. <https://www.mfa.gov.tr/synopsis-of-the-turkish-foreign-policy.en.mfa>
- Olga, Bellou (2017), Political Islam & Neo-Ottomanism in Turkey's Foreign Policy: The Case of Recep Tayyip Erdoğan, Graduate Institute of Political and International Studies.
- Politics Today. (2023, June 15). What does the Century of Turkey plan promise? <https://politicstoday.org/what-does-the-century-of-turkey-plan-promise/>
- Pope, H. (2023, May 11). The battle of the Turkish centuries. Politico. <https://www.politico.eu/article/turkish-century-elections-recep-tayyip-erdogan-mustafa-kemal-aturk/>
- Süsler, B. (2019,). Turkey: An emerging middle power in a changing world? IDEAS. http://eprints.lse.ac.uk/107799/1/LSE_IDEAS_Turkey_Middle_Power_May_2019.pdf LSE
- Tank, P. (2021). Between human and state security: Turkey's Syria policy under the justice and development party (AKP). *The international spectator*, 56(4), 84-100.
- Taşınar, Ö. (2011). The three strategic visions of Turkey. Center on the United States and Europe at Brookings no. 50. Retrieved from <https://www.brookings.edu/projects/the-turkey-project/>
- Ulusoy, H. (2023). 100 Years of Continuity in Turkish Foreign Policy: A Constructivist Perspective. *PERCEPTIONS: Journal of International Affairs*, 28(1), 2-10.
- Uysal, G. (2019, August 12). Turkey does imperialism: Turkish foreign policy in the Middle East. *Open Democracy*. <https://www.opendemocracy.net/en/oureconomy/turkey-does-imperialism-turkish-foreign-policy-middle-east/>
- Warning, M., & Kardaş, T. (2011). The impact of changing Islamic identity on Turkey's new foreign policy. *Alternatives: Turkish Journal of International Relations*, 10(2-3), 123-140. Retrieved from www.alternativesjournal.net
- Wooley, S. (2023, December 18). A new century: Turkey's pursuit of regional economic power upon its 100th anniversary. *Georgetown Security Studies Review*. <https://georgetownsecuritystudiesreview.org/2023/12/18/a-new-century-turkeys-pursuit-of-regional-economic-power-upon-its-100th-anniversary/>
- Yanarocak, H. E. C. (2021, August 11). Turkish irredentism and the greater Middle East. Jerusalem Institute for Strategy and Security. <https://jiss.org.il/en/yanarocak-turkish-irredentism-and-the-greater-middle-east/>
- Yetim, H. T. (2013). The role of identity in Turkey's new Middle East policy: The case of JDP's Palestine policy. *İZÜ Sosyal Bilimler Dergisi/IZU Journal of Social Science*.
- Zaarour, B. (2018). Turkish foreign policy toward Syria after 2011: A new regional order and the role of political Islam [Master's thesis, Harvard University]. Harvard University Extension School. <https://dash.harvard.edu/handle/1/37945085>

